

تربیت شهروندی از نگاه ویتگنشتاین^۱

مهرنوش امینی^۲

چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی نگاه ویتگنشتاین به تربیت شهروندی و ابعادش و استنباط مولفه‌های تربیتی آن است. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با روش تحلیلی - توصیفی و استنباطی انجام و پس از بازبینی منابع، و دیدگاه‌های ویتگنشتاین متقدم و متأخر و بررسی نظرات وی در باب ابعاد تربیت شهروندی، مجموعه‌ای از مولفه‌های تربیت شهروندی استنباط گردید. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که تربیت شهروندی به تربیت افراد به‌نحوی که بتوانند در شکل‌گیری و یا برقراری توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت‌ها در جامعه نقش بازی کنند، می‌پردازد و دارای سه بعد مهم شناختی، عاطفی و رفتاری است. در بررسی نگاه ویتگنشتاین به این سه بعد ضروری بود که نظریات ویتگنشتاین در دوره از زندگی خود یعنی زبان تصویری و بازی‌های زبانی مورد بررسی قرار بگیرد و پس از بررسی بعد شناختی با استفاده از نظریه زبان تصویری و بعد عاطفی و رفتاری بر اساس بازی‌ای زبانی توضیح داده شد. در نهایت نیز مؤلفه‌هایی در باب تربیت شهروندی و بر اساس نظریات ویتگنشتاین استنباط گردید که در ادامه آورده خواهد شد.

واژگان کلیدی: تربیت شهروندی، ویتگنشتاین، نظریه بازی‌های زبانی، نظریه زبان تصویری، مولفه‌های تربیتی.

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

تأیید نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

۲. دانشجوی دکترا دانشگاه خوارزمی_mehrnosh_amini@yahoo.com

۱. مقدمه

یکی از ویژگی‌های جهان معاصر برجستگی و محوریت انسان و موضوعات مرتبط با او در کلیه عرصه‌هاست. انسان به‌عنوان عامل محوری هر گونه نقش‌آفرینی در آینده مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. از عصر روشنگری به بعد، جامعه بشری، به تعریف جدیدی از انسان و جهان پرداخت. طی این سال‌ها، انسان به‌عنوان موجود ذی حقی شناخته شده که توانایی اداره امور شخصی و اجتماعی خود را (از طریق قراردادهای اجتماعی) دارد. تربیت شهروندی یکی از مقوله‌های فربه در رشته‌های مختلف همانند جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، اخلاق است و از این رو پرداختن به آن به‌عنوان یک موضوع اساسی در جوامع امروزی از دیرباز تا کنون، به نظر حیاتی می‌آید. تربیت شهروندی مهم‌ترین عنصر زندگی اجتماعی و همین‌طور مهم‌ترین هدف و محرک حرکت‌ها و نهضت‌های اجتماعی است و از آن مهم‌تر انسانیت انسان، حیثیت ذاتی و کرامت او در پرتو بهره‌مندی‌اش از این نوع تربیت معنا و مفهوم پیدا می‌کند. حضور موفق افراد در بطن زندگی اجتماعی و از آن طریق تأمین و تضمین انسانیت و حیثیت و کرامت انسان در گرو تلاش فردی و اجتماعی انسان‌هاست به عبارتی، تلاش افراد در روابط بین خودشان و در رابطه با موجود قدرتمند دولت، ضامن واقعی موفقیت در جامعه است. (همتی، ۱۳۸۷) تربیت شهروندی عامل مهمی در نهادینه‌شدن حقوق اجتماعی است. تربیت شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌گردد. این مؤلفه ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه همه‌جانبه جوامع صنعتی و رو به پیشرفت است. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی به وجود می‌آورد؛ نقش دیگر این مؤلفه ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسائل عمومی جامعه در ابعاد محلی - ملی و جهانی است. چنین آموزه‌هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و جستجویی برای مساوات‌طلبی است. در واقع تربیت شهروندمداری در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی به‌صورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بهره‌مند گردند. حال باتوجه به اهمیت تربیت شهروندی و احساس نیاز شدید به آن در جوامع این سؤال مطرح می‌گردد چگونه و باتوجه به چه معیارهایی می‌توان محورهای مهم و مطرح تربیت شهروندی را تبیین نمود؟ در واقع باتوجه به اینکه دیدگاه‌های فلاسفه و بزرگان در این زمینه می‌تواند بنیادهای نظری و

نهایتاً پیشینه عملی تربیت را فراهم سازد، کدام اندیشمندان می‌توانند در پیشبرد تربیت شهروندی نقش مؤثری را ایفا نمایند؟

با مطالعه دیدگاه‌های اندیشمندان بزرگ می‌توان ملاحظه کرد که از دیدگاه‌های بسیاری از این صاحب‌نظران در باب تربیت شهروندی مطالب بسیاری را می‌توان برداشت نمود و در غالب رهیافت‌های تربیت شهروندی بکار بست. از جمله این صاحب‌نظران به فلاسفه تحلیلی می‌توان اشاره نمود.

با بررسی آثار فلاسفه تحلیلی مشخص می‌شود که فلاسفه تحلیلی نقش خود را تسهیل برقراری ارتباط در فراسوی مرزهای تخصصی می‌بینند. همچنین انسان‌های عصر نوین، در دورانی زندگی می‌کنند که اگر خواستار تحقق جامعه‌ای مدنی به شکل واقعی باشند؛ یعنی جامعه‌ای که در آن منطق مفاهمه، گفتگو، نقد و ارزیابی، فهم و درک همدیگر، مشارکت و همیاری برقرار است و اگر پذیرفته شود که در جوامع مدرن، انسان بازیگر و عامل اصلی است و با حفظ تمام تفاوت‌هایش حق مشارکت دارد؛ بنابراین بررسی و تحلیل زبان به‌عنوان یک عامل اساسی در آموزش افراد برای رسیدن به یک جامعه مدنی ایده‌آل ضروری می‌نماید.

به این ترتیب فیلسوف تحلیلی می‌تواند با روشن ساختن زبانی که در موقعیت‌های آموزش و یادگیری به کار می‌رود، خدمتی به‌جای آورد و می‌تواند جملاتی را که برای صورت‌بندی سیاست‌های تربیتی به کار می‌رود بررسی کنند و معانی آنها را برای پرورش‌کاران روشن سازند. فلاسفه تحلیلی می‌توانند با ابهام‌زدایی از اصطلاحات تخصصی که غالباً نوشته‌های تربیتی و سایر علوم اجتماعی را مختل می‌سازند، به انجام این مهم توفیق یابند (گوتک، ۱۳۸۰: ۲۰۰ تا ۲۰۱). در میان فلاسفه تحلیلی لودویگ ویتگنشتاین در تاریخ فلسفه معاصر نقطه تحول به شمار می‌رود. در واقع ایشان از جمله مشهورترین فلاسفه‌ای است که بر تبیین (توضیح) معانی، اصلاحات و واژگان تأکید داشته است، بخصوص در آثار خود به استعاره‌های متعدد «زبان معمول» و اهمیت بازی‌های زبانی اشاره داشته است. او به کارکردهای اجتماعی زبان در موقعیت‌های متعدد زندگی انسان توجه داشت و در تحقیقات فلسفی خود به تدریس به‌خصوص تدریس ریاضیات و خواندن توجه خاصی داشت (ضیاءفر، ۱۳۸۴: ۶).

اهمیت ویتگنشتاین بیشتر در این است که نظریات و اندیشه‌های او از یک‌سو در شکل بخشیدن به روش پوزیتیویسم منطقی (در حلقه وین و فراتر از آن) تأثیر تعیین‌کننده داشته است؛ و از سوی دیگر «فلسفه تحلیلی»، «فلسفه زبان» آن گونه که از دهه سوم قرن کنونی به بعد در انگلستان به‌ویژه در آکسفورد، پدیدآمده است در نظریات اساسی و انگیزه اصولی خود مدیون تفکر ویتگنشتاین است (پیتر^۱، ۲۰۱۴).

از آنجایی که تربیت شهروندی بیشتر ناظر بر رابطه عضویت یک فرد در جامعه و انجام وظایف شهروندی است. (کدیور: ۱۳۸۲: ۲۴) و افراد به‌عنوان اعضای مؤثر در شکل‌گیری روابط اجتماعی موظف به فراگیری رفتار مناسب در جامعه هستند و از طرف دیگر یکی از مهم‌ترین ابزار برقراری ارتباطات اجتماعی زبان بوده که تعاملات اجتماعی را آسان و فرد را به‌عنوان یک شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت می‌دهد و ویتگنشتاین نیز به‌عنوان یک فیلسوف زبان دارای اهمیت بسیار است؛ بنابراین و باتوجه به دو دوره از نظریات ویتگنشتاین، بررسی تربیت شهروندی در افکار وی دارای اهمیت و جذابیت ویژه‌ای است. این پژوهش بر آن است که با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با روش تحلیلی - توصیفی ضمن بررسی تعریف تربیت شهروندی و محورهای قابل بررسی، آن را از دیدگاه ویتگنشتاین در دو دوره از دیدگاه خویش و به‌خصوص دیدگاه متأخر وی مورد بحث قرار دهد. در واقع هدف اصلی این مقاله آن است که نظر ویتگنشتاین را باتوجه به دو نظریه زبان تصویری و به‌خصوص بازی‌های زبانی در باب محورهای اصلی تربیت شهروندی مورد بحث و بررسی قرار داده و نهایتاً مولفه‌های پیشنهادی در باب این نوع تربیت را تجویز نماید. در ابتدای بحث لازم است که به تعریف مفاهیم اصلی آن بپردازیم:

۲. بحث و بررسی

مفهوم شهروند و شهروندی:

در دایره معنایی شهروندی مفهوم حقوق، مسئولیت و مدنیت حضور پیدا می‌کنند که بالضرورت در وجود فیزیکی شهر تحقق پیدا نمی‌کند. بدین ترتیب هر انسانی که در شهر زندگی می‌کند ضرورتاً شهروند نیست بلکه می‌تواند در یک فرایند آموزشی از شهرنشین به شهروند تبدیل شود (برخورداری، جمشیدیان: ۱۳۷۸: ۱۶). پس واژه «شهروند» مرکب از

دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی فرهنگ مند و وند به معنای عضو و وابسته است و شهروندی معمولاً به صورت عضویت در یک قلمرو سرزمینی و یک اجتماع سیاسی تعریف می‌شود. پس شهروندی عبارت است از رابطه بین یک فرد و یک دولت که بر اساس آن یک فرد وفاداری و تابعیت خود را نسبت به آن دولت اعلام می‌کند و به نوبه خود از محافظت و مراقبت از سوی آن دولت برخوردار می‌گردد. در حقیقت شهروندی مقوله‌ای است که با مفهوم اجتماع و اجتماعی بودن انسان گره خورده و، (برخورداری، جمشیدیان: ۱۳۷۸: ۱۷) به عبارت بهتر می‌توان بیان کرد که شهروند، انسان آزاد و مختاری است که فقط در میان یک جمع زندگی نمی‌کند؛ بلکه با آن جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد که انواع روابط و پیوندها آنها را به یکدیگر متصل می‌کند

مفهوم تربیت شهروندی:

در دایرةالمعارف انگلیسی تعلیم و تربیت در تعریف شهروندی می‌نویسد: تربیت شهروندی به آموزش‌هایی گفته می‌شود که به توسعه شهروندی یا توانمندی‌های شهری مربوط می‌شود و اهداف آن الزاماً در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع و ملت‌های خاص فهمیده می‌شود، زیرا آنها دانش و طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های همراه با مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی را انتقال می‌دهند، همچنین در تعریف دیگری این دایرةالمعارف تربیت شهروندی را تربیتی می‌داند که به مقررات صریح جوامع جهت تلقین ارزش‌های مدنی از طریق تعلیم و تربیت رسمی اشاره دارد (چامبلیس: ۱۹۹۶).

به طور کلی جوهره مفهوم تربیت شهروندی عبارت است از تربیت افراد به نحوی که بتوانند در شکل‌گیری و یا برقراری توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت‌ها در جامعه نقش بازی کنند. به عبارت دیگر تربیت شهروندی مستلزم آن است که دانش‌ها، گرایش‌ها و قابلیت‌هایی در افراد فراهم آید که از سویی مایه استواری و استحکام اقتدار دولت از طریق قانون در جامعه باشد و از سوی دیگر این امکان را در افراد جامعه به وجود آورد که اقتدارطلبی‌های ناموجه از سوی دولت را بازشناسی کنند و بتوانند آن را مورد نقد و ارزیابی قرار دهند و در صورت لزوم در برابر آن عملاً مقاومت کنند (باقری: ۱۳۷۹).

در تعریف دیگری از تربیت شهروندی آمده است: تربیت شهروندی شبکه‌ای از فرایندهای به هم مرتبط نهادهایی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به پرورش اعضای جامعه مدنی می‌پردازند و به همین ترتیب تربیت شهروندی به لحاظ ماهیتی به شدت از مفهوم جامع مدنی متأثر است. در این تعریف، مهم‌ترین دغدغه و هدف آموزش

شهروندی تقویت جامعه مدنی و حفظ روحیه مردم‌سالاری در مردم است (علم‌الهدی: ۱۳۷۹).

به‌رحال بسیاری از معلمان علاقه‌مندند که بدانند چگونه می‌توانند دانش‌آموزان خود را متعهد به انجام تمرین‌های معنادار مثل ابزار عقیده کردن، با صدای بلند صحبت کردن، دانش‌آموزان دیگر کنند، پرورش چنین رفتارهایی در دانش‌آموزان مدارس رسمی را اغلب تعلیم و تربیت مردم‌سالارانه می‌گویند (کابو و کینی: ۲۰۰۰).

در بررسی تعاریف فوق می‌توان گفت که تربیت شهروندی یعنی آنکه نظام آموزشی به تربیت شهروندانی همت‌گمارد که ضمن احساس دلبستگی به میهن و سرزمین خود و رعایت قانون در همه زمینه‌های زندگی، این قابلیت هم در آنها به وجود آید که در صورت لزوم و از طریق تشکلهای خاص موجود به نقد و ارزیابی عملکرد دولت پرداخته و در صورت لزوم در برابر آن ایستادگی نماید. جوامعی که این شیوه را می‌پذیرند باید نظام تربیتی خود را به‌سوی تربیت شهروندانی آگاه و آشنا با زندگی در جامعه مردم‌سالاری سوق داده تا کودکان از ابتدا با تمرین فعالیت‌های مدنی در مدارس برای زندگی جمعی و ایفای نقش فعال شهروندی و مشارکت همه‌جانبه در سرنوشت خود آمادگی لازم را کسب نمایند.

ابعاد تربیت شهروندی

در بررسی تربیت شهروندی می‌توان سه بعد یا سه محور اصلی را مدنظر قرارداد. این سه بعد عبارت‌اند از: بعد شناختی، بعد رفتاری و بعد عاطفی. در بعد شناختی یا دانشی به عبارت بهتر بعد دانش آموزش‌های شهروندی باید به فراهم آوردن اطلاعاتی درباره ساختار حکومت، روابط حکومت و مردم و سازوکارهای توزیع قدرت بپردازد. البته عرضه کردن اطلاعات و دانش‌هایی از این قبیل، برای تأمین بعد شناختی کافی نیست و علاوه بر، برخی قابلیت‌ها و توانایی‌های فکری و شناختی نیز موردنظر است. در واقع بدون یافتن چنین قابلیت‌هایی، داشتن امری بی‌حاصل است. دانش‌آموز نیازمند آن است که با اطلاعاتی که در اختیار دارد به‌درستی اندیشه کند. عناصر و معیارهای اندیشه‌ورزی باید به منزله قابلیت‌های ذهنی در فرد شکل بگیرد و فرد توانایی اندیشیدن و صحیح اندیشیدن را پیدا کند. (برخورداری، جمشیدیان: ۱۳۷۹: ۳۲) معلمی که خود توانایی صحیح اندیشیدن را دارد با دانش‌آموزان به محاوره فکری می‌پردازد و به این ترتیب قابلیت اندیشه‌ورزی و نقادی را که از اجزای مهم تربیت شهروند است فراهم می‌آورد.

در بررسی بعد عاطفی، تربیت شهروندی در ایجاد گرایش‌ها و قابلیت‌های مناسب با جامعه مدنی در افراد است. در مواردی مانند محترم شمردن دیگران، تحمل افکار مخالف، گرایش به ارزش‌های همچون آزادی، عدالت و... گرایش به نقادی و احترام به قانون جز این بعد از تربیت شهروندی هستند.

در حوزه رفتاری تربیت شهروندی مستلزم فراهم آوردن مهارت‌های لازم برای زیستن در جامعه مدنی است. (باقری: ۱۳۷۹) این بعد بیشتر رفتارهای اجتماعی که حاصل زندگی در جمع افراد جامعه است را در بر می‌گیرد.

نظر ویتگنشتاین در رابطه به ابعاد اصلی تربیت شهروندی چیست؟

باتوجه به اهمیت ویتگنشتاین در باب فلسفه زبان و با عنایت به اهمیت زبان به‌عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباطی در بین جوامع انسانی قطعاً نظرات ویتگنشتاین در باب محورهای اصلی تربیت شهروندی می‌توان در عین جذابیت، رهیافت‌هایی را نیز در باب تربیت شهروندی ارائه نماید؛ اما قبل از بررسی این محورها از دیدگاه ویتگنشتاین لازم است نگاه مختصری به نظریات وی در باب زبان که محصول دیدگاه‌های فلسفی وی در این مقوله است انجام شود:

لودویگ ویتگنشتاین در سال ۱۸۸۹ در وین زاده شد. وی از جمله معدود فیلسوفانی است که در زندگی خویش دو دوره فلسفی گر چه متفاوت اما مکمل یکدیگر را تجربه نمود به همین دلیل درباره ویتگنشتاین از تعبیر ویتگنشتاین متقدم و ویتگنشتاین متأخر استفاده می‌شود و در تلقی اول، ویتگنشتاین دیدگاه‌های خود را در باب زبان در رساله منطقی - فلسفی مطرح نمود. نظریه زبان تصویری حاصل تفکرات ویتگنشتاین در دور اول از تفکرات خویش است. ایشان در دوره اول تفکر خویش، تلاشش معطوف به این است که صورت منطقی زبان چیست، زبان چگونه حکایت از غیر خود می‌کند؟ چگونه است که ما با مشتاقی الفاظ چیزی را نشان می‌دهیم و این نمادهایی که در زبان داریم چگونه دلالت بر اعیان می‌کنند؟ ارتباط زبان و جهان خارج چیست و چگونه است؟ آیا زبان مرز و حدودی دارد و اگر دارد کجاست؟ (ویتگنشتاین، ۲۰۰۲: ۶، ۶۳۱۱)

ویتگنشتاین متقدم بر آن است؛ زبان تصویر واقعیت است و واقعیت در زبان منعکس می‌شود او در رساله می‌نویسد؛ «گزاره نگارنده واقعیت است» (ویتگنشتاین، ۱۳۸۶: ۴۰۱). زبان هم که مجموعه گزاره‌هاست همان‌طور که در رساله تأکید کرده: مجموع گزاره‌ها زبان است (ویتگنشتاین، ۱۳۸۶: ۴۰۱) در نتیجه زبان، تصویر است. با تصویر دانستن زبان، مشکل

بغرنج چگونگی ارتباط زبان و جهان حل می‌شود و به عبارت دیگر جوابی درخور، برای این مسئله که ما چگونه با مشتت الفاظ درباره چیزها صحبت می‌کنیم، ارائه می‌دهد؛ ویتگنشتاین در یادداشت‌ها می‌نویسد: گزاره تاحدی که تصویر است چیزی را بیان می‌کند (ویتگنشتاین، ۱۳۸۵: ۵۱). وقتی یک تصویر را نگاه می‌کنیم دیگر از این که این تصویر چگونه تصویرگری می‌کند سؤال نمی‌کنیم؛ زیرا ذات تصویر، تصویرگری است و چیزها را تصویر می‌کند، زبان نیز این گونه است. وقتی درباره چیزی سخن می‌گوییم آن چیز را تصویر می‌کنیم. این تلاش به این پرسش می‌انجامد که زبان چیست؟

به‌طور کلی باید گفت که ویتگنشتاین در باب تصویرگری زبان چنین می‌نویسد: تصویر مدل واقعیت به شمار می‌آید. در تصویر عناصر تصویری در انطباق با موضوع‌ها و نماینده آنهاند (ویتگنشتاین، ۱۳۸۶: ۲۰۱۲-۲۰۱۳) در واقع او بیان می‌کند که جمله یک تصویر به معنای متداول کلمه از آنچه بیان می‌کند است. به‌طور کلی وجه شباهتی که میان یک تصویر و یک جمله وجود دارد مربوط به نشان دادن آنهاست. در حقیقت این نشان دادن، نشانه نسبت‌های ایجابی مختلف میان زبان و واقعیت است (فنسکول، ۱۳۸۵: ۲۳).

از نظر ویتگنشتاین زبان پوشاننده اندیشه و اندیشه آئینه زبان است. او در این باره می‌نویسد: تصویر منطقی واقعیات، اندیشه است (ویتگنشتاین، ۱۳۷۱: ۶۲) این مقدمه را می‌توان با گونه‌ای دیگر که حاوی مختصری توضیح باشد بیان کرد که تصویر منطقی امر واقع (و وضع امور) همان فکر و اندیشه ذهنی است. این اندیشه است که به ساختار منطقی و عقلی متعلقات خود که برگرفته از عالم اند پی می‌برد و آنها را کشف می‌کند. اما ادعای ویتگنشتاین بالاتر از این است، چون او تصویر منطقی امور واقع را مطابق اندیشه و همان اندیشه می‌داند. نه این که اندیشه و ذهن با انجام مقدمات و فرایندهایی تصویر بسازد، بلکه خودش، تصویر یا مصداقی از تصویر است؛ یعنی تصویر منطقی امور واقع، اندیشه است و اندیشه تصویر منطقی؛ به عبارت دیگر بین آنها رابطه این‌همانی برقرار است (ویتگنشتاین، ۱۳۶۹: ۶۰-۱). نتیجه این هماهنگی آن است که: هر آنچه را می‌توان بیان کرد، می‌توان اندیشید و هر چه قابلیت بیان نداشته باشد، شایستگی اندیشیده شدن را نیز ندارد. به این ترتیب مرزهای بیان و اندیشه بر یکدیگر منطبق است و وجود آنها نیز بر هم دیگر متوقف؛ یعنی اندیشه بدون زبان و زبان نیز بدون اندیشه ناممکن است. از طرفی وقتی قائل به این می‌شویم که زبان تصویر واقعیت است می‌بایست به گونه‌ای به همسانی و هم‌ریختی زبان و واقعیت قایل شویم؛ برای چنین اعتقادی ابتدا می‌بایست زبان و جهان

دارای شکل و صورت و ساختی باشند که بتوانند همسانی و هم‌ریختی زبان و جهان را تأکید کنند و یکی را تصویر و دیگری را صاحب تصویر دانست و باید بین زبان و واقعیت جهان صورت مشترکی وجود داشته باشد.

به عبارت دیگر یک تصویر و وضعیتی را که آن تصویر نشان می‌دهد چیزهایی مشترکی دارند که ویتگنشتاین آن را شکل تصویر و عموماً آن را شکل منطقی آنها می‌نامند (ویتگنشتاین، ۱۳۶۹: ۱۲۱.۴) بنابراین عامل پیوند و اتصال میان واقعیت و گزاره که به عنوان تصویر آن واقعیت محسوب می‌شود، صورت منطقی مشترک است که بین تصویر (که یک واقعیت بالفعل است) و آنچه را که ویتگنشتاین به عنوان واقعیت آن تصویر ترسیم می‌کند است. ویتگنشتاین جهان و زبان را دارای ساختار منطقی می‌داند و این منطق است که بر زبان و جهان حکم می‌راند. ویتگنشتاین منطق را عینی می‌داند؛ اما عالمی به نام عالم معنا را نمی‌پذیرد و برخلاف سنت تجربه‌گرایی انگلستان عمل می‌کند. در نظر ویتگنشتاین منطق داربست و صورت جهان و زبان است و اصلاً به همین خاطر است که زبان تصویر جهان است (ماونس، ۱۳۸۸: ۸۲)

در نهایت می‌بایست اشاره کرد که در دیدگاه ویتگنشتاین متقدم هم زبان و هم جهان عینی دارای صورت و ساختار منطقی است و به واسطه همین داربست و استخوان‌بندی منطقی که وجه مشترک زبان و عالم است می‌توان سخن از هم‌ریختی زبان و عالم به میان آورد و یکی را تصویر دیگری دانست.

ویتگنشتاین پس از انتشار رساله مدت فلسفه را رها کرد و به تدریس در یک مدرسه ابتدایی مشغول شد. اما در سال ۱۹۲۹ بود که دوباره احساس کرد می‌تواند به کار خلاق بپردازد. در واقع او روش پیشینی رساله را تکامل بخشید و آن را به روش پسینی پژوهش پدیده‌های واقعی زبان تبدیل نمود. در حقیقت سال‌هایی را که ویتگنشتاین در مدرسه ابتدایی کودکان گذراند را می‌توان تعیین‌کننده‌ترین عامل در شکل‌گیری فلسفه متأخرش دانست. از طرف دیگر نقش افرادی چون صرفاً اقتصاددان ایتالیایی، ویلیام جیمز و مور را در انتقال ویتگنشتاین به دور دوم از زندگی خویش نباید نادیده گرفت. (ک.ت.ف. ۱۳۸۱: ۸۷-۶۲)

نظریه بازی‌های زبانی محصول اندیشه‌های او در باب زبان در دوران متأخر است. زیرا طرح بازی‌های زبانی در این دوران نشان‌دهنده این واقعیت است که به نظر ویتگنشتاین زبان کاربردهای متعددی دارد و واژه‌ها و عبارات فقط در بستر اجتماعی یا در جریان زندگی

معنا دارد و این همان موضوعی است که در تربیت شهروندی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ویتگنشتاین برای نشان دادن عدد و کثرت نامحدود و کاربرد، عدم ثبات آنها و این که آن‌ها قسمتی از یک فعالیت هستند، اصطلاح بازی‌های زبانی را ابداع کرد. ویتگنشتاین با تأمل در زبان به این نتیجه رسید که زبان ماهیت مشخص و معینی ندارد همان‌طور که ذات معینی در پشت‌بازی‌ها وجود ندارد، و از این رو ما نه با زبان بلکه زبان‌ها سروکار داریم. وی برای اظهار مقصود خویش با تیزبینی مثال‌هایی می‌آورد که بسیار گویاست. او از مثال بنا و دستیارش استفاده می‌کند. بنا با چهار جور آجرکار می‌کند. دستیار او باید به همان ترتیبی که او آنها را نیاز دارد به او برساند. در واقع بنا هر کدام را می‌خواهد صدا می‌زند و دستیار نوعی آجر را که یاد گرفته با آن صدا بیاورد. این یک‌زبان ابتدایی کامل است (ویتگنشتاین: ۱۳۸۷: الف: ۲) در این زبان که شکل ابتدایی از زبان است هر دو نفر یعنی بنا و دستیار او گویی در یک بازی قرار گرفته‌اند که قواعد آن را می‌دانند و بر طبق آن عمل می‌کنند.

از نظر ویتگنشتاین زبان‌ها مانند بازی‌ها هستند و نمی‌توان ذاتی معین و ماهیتی مشخص را در پس زبان‌ها پیدا کرد. زبان‌ها عنصر مشترکی ندارند؛ بلکه صرفاً آن چه می‌تواند میان آنها مشترک باشد. روابط و همانندی‌ها خواهد بود، برخی از زبان‌ها به یکدیگر شبیه‌تر و از برخی دیگر دورترند. (مگی: ۱۳۸۵: ۵۴۲)

یک نکته مهم دیگر که ویتگنشتاین زبان را به بازی تشبیه می‌کند و بسیار نیز حایز اهمیت است قانونمند بودن بازی است. در واقع کارکرد قواعد در بازی همانند کارکرد قواعد در زبان است. (کنی: ۲۰۰۶: ۱۲۶) ویتگنشتاین در این باره می‌گوید: زمانی که ما زبان را مطالعه می‌کنیم آن را به‌مثابه بازی می‌بایم که دارای قواعد معین و مشخصی است (ویتگنشتاین: ۱۹۷۴: ۷۷)

وجود قواعد و قوانین باعث می‌شود که اعمال شرکت‌کننده دل به خواهی نبوده و در صورت سرپیچی از این قواعد مورد اعتراض سایر شرکت‌کنندگان قرار گیرد و عمل خویش را با قواعد بازی هماهنگ کند و از قواعد آن بازی پیروی کند. زبان نیز همانند بازی دارای قواعدی قوام‌بخش است و شرکت‌کنندگان در آن زبان یا سخنگویان آن زبان می‌بایست از قواعد و قوانین آن زبان که قواعدی قوام‌بخش هستند و بدون آن‌ها آن زبان دیگر وجود نخواهد داشت.

همچنین همان گونه که گذشت هر بازی قواعد خاص خودش را دارد و این قواعد را نمی‌توان به بازی‌های دیگر تعمیم داد، به عبارت دیگر قواعد هر بازی خاص همان بازیست و ارتباطی با بازی‌های دیگر ندارد هر چند که می‌توان شباهت‌هایی را میان آن‌ها پیدا کرد. ویتگنشتاین این آموزه را به زبان سرایت می‌دهد و صحبت از نه زبان بلکه زبان‌ها به میان می‌آورد که هر کدام از قواعد خود پیروی می‌کنند و ما مجاز نیستیم که قواعد زبان‌ها را به یکدیگر سرایت دهیم.

همچنین صرف توضیح برای یک بازی کافی نیست بلکه می‌بایست برای یادگیری یک بازی در آن مهارت کسب کرد و این مهارت نیز در اثر عمل و تمرین کردن در آن بازی کسب می‌شود و مستلزم نوعی تربیت است (ویتگنشتاین: ۱۳۸۰: ۳۳) از این عبارت چنین بر می‌آید که نمی‌توان از طریق توضیح معنای واژه‌ها زبان را یاد داد، بلکه بایستی یادگیرنده را برای کاربرد زبان تربیت کرد و توضیح اشاره‌ای بدون زمینه تربیتی مناسب به فهم نمی‌انجامد، در آن‌ها مقصود از تربیت، یادگرفتن عملی و از طریق کاربرد است، تربیت مستلزم تمرین و یادگیری در حین عمل است. همچنین او بر این باور است که فهمیدن معنای یک‌لفظ در گرو کاربردهای مختلف لفظ است و برای توضیح این مطلب از اصطلاح صورت‌های زندگی استفاده می‌کند. او می‌گوید هر لفظ فقط در متن زندگی و به تعبیری در صورت‌های زندگی دارای معناست و نه به صورت منفرد. در واقع کاربردهای مختلف یک‌لفظ با توجه به صورت‌های مختلف زندگی که فرد در گیر آنهاست تعیین می‌گردد (ویتگنشتاین: ۱۳۸۰: ۴۸) در مورد صورت‌های زندگی در بیانات ویتگنشتاین باید گفت بعضی آن‌ها را در برگیرنده کل یک فرهنگ و بعضی آن‌ها را یک فعالیت جزئی در یک فرهنگ مثل سیاست یا تعلیم و تربیت می‌دانند

حال پس از توضیح مختصر در رابطه با دیدگاه فلسفه زبان ویتگنشتاین نوبت به بررسی نگاه ویتگنشتاین به ابعاد اساسی تربیت شهروندی می‌رسد جهت انجام این بررسی پاسخ به سه سؤال اساسی زیر لازم و ضروری می‌نماید

- (۱) نگاه ویتگنشتاین به بعد شناختی تربیت شهروندی چگونه نگاهی است؟
- (۲) ویتگنشتاین با توجه به اندیشه‌های فلسفی خویش به بعد رفتاری تربیت شهروندی چگونه می‌نگرد؟
- (۳) چگونه می‌توان بعد عاطفی تربیت شهروندی را از زاویه دید فلسفی ویتگنشتاین مورد بررسی قرارداد؟

۱) نگاه ویتگنشتاین به بعد شناختی تربیت شهروندی چگونه نگاهی است؟

بررسی تفکرات ویتگنشتاین در دوره اول به خصوص ارتباط منطق و اندیشه به عنوان یک فلسفه تربیتی می‌تواند فرد را در راه درست اندیشیدن، راه خردمندانه زیستن، و کوشش برای شناختن هستی یاری رساند

در این بررسی و از حوزه شناختی اهمیت تفکرات ویتگنشتاین در دوره اول تفکرات خویش به طور واضحی به چشم خواهد آمد. زیرا در حوزه شناختی یا دانشی، آموزش‌های شهروندی مستلزم فراهم آوردن اطلاعاتی درباره اندیشه درست، پیرامون جهان و ایجاد یک تصویر منطقی از دنیایی است که فرد در آن به دنیا آمده و زندگی می‌کند.

البته علاوه بر عرضه اطلاعات و دانش ارائه و آموزش قابلیت‌ها و توانایی‌های فکری و شناختی نیز مورد نیاز است. در حقیقت فرد فراگیر نیاز دارد با توجه به توانایی‌های فکری و شناختی به درستی اندیشه کند. معیارها و عناصر اندیشه‌ورزی باید به منزله قابلیت‌های ذهنی در فرد شکل بگیرد و فرد توانایی اندیشیدن و صحیح اندیشیدن را پیدا کند (برخورداری، جمشیدیان: ۱۳۷۸: ۳۲) با بررسی اندیشه‌های ویتگنشتاین متقدم می‌توان به معیارهای اندیشه صحیح در قالب بحث زبان دست یافت. چرا که از نظر او مرزهای بیان و اندیشه بر یکدیگر منطبق است و وجود آنها نیز بر هم دیگر متوقف؛ یعنی اندیشه بدون زبان و زبان نیز بدون اندیشه ناممکن است (ویتگنشتاین، ۱۳۶۹: ۶۰-۱). در بحث آموزش اگر چنانچه مربی خود توانایی درست اندیشیدن را داشته باشد و به قول ویتگنشتاین به درک ساختار منطقی مشترک بین زبان و عالم و اندیشه و زبان دست یافته باشد و با فراگیران خود به محاوره فکری بپردازد و به این ترتیب می‌تواند قابلیت اندیشه‌ورزی و نقادی را که از اجزای مهم تربیت شهروندی است فراهم آورد.

در واقع این بخش از تفکرات ویتگنشتاین به فراگیران کمک می‌کند تا به آگاهی مدنی دست یابد. آگاهی مدنی شامل ایده‌ها و اطلاعات اساسی است که برای تبدیل شدن فراگیر به یک شهروند مسئول و مؤثر لازم‌اند (برخورداری، جمشیدیان: ۱۳۷۸: ۳۲) در حقیقت نظریه زبان تصویری که به نوعی بیان کننده آن است که زبان تصویر واقعیت است و واقعیت در زبان منعکس می‌شود (ویتگنشتاین، ۱۳۸۶: ۴۰۱). پس فراگیران نیز با درک درست از واقعیت جایگاه خویش در جامعه و همچنین درک درست از زبان به عنوان مهم‌ترین عامل ارتباطی با سایر افراد جامعه می‌توانند از آن تصویری ارائه دهند که این تصویر عین واقعیت

موجود بوده و مهارت‌های شناختی مدنی که شامل توانایی فراگیری برای فهم، توصیف و مقایسه و ارزیابی اصول و حکومت و شهروندی است را کسب نمایند.

این عامل نیازمند ارتباط فراگیر با جهان اطراف خویش است که ویتگنشتاین تاندازه‌ای در دیدگاه متقدم خورد بدان اشاره می‌کند وی معتقد است که با تصویر دانستن زبان، مشکل بغرنج چگونگی ارتباط زبان و جهان حل می‌شود و به عبارت دیگر جوابی درخور، برای این مسئله که ما چگونه با مشت‌الفاظ درباره چیزها صحبت می‌کنیم، ارائه می‌دهد؛ ویتگنشتاین در یادداشت‌ها می‌نویسد: گزاره تاحدی که تصویر است چیزی را بیان می‌کند (ویتگنشتاین، ۱۳۸۵: ۵۱). وقتی یک تصویر را نگاه می‌کنیم دیگر از این که این تصویر چگونه تصویرگری می‌کند سؤال نمی‌کنیم؛ زیرا ذات تصویر، تصویرگری است و چیزها را تصویر می‌کند، زبان نیز این گونه است. وقتی درباره چیزی سخن می‌گوییم آن چیز را تصویر می‌کنیم. این تلاش به این پرسش می‌انجامد که زبان چیست؟

به‌طور کلی باید گفت که ویتگنشتاین در باب تصویرگری زبان چنین می‌نویسد: تصویر مدل واقعیت به شمار می‌آید. در تصویر عناصر تصویری در انطباق با موضوع‌ها و نماینده آنها (ویتگنشتاین، ۱۳۸۶: ۲۰۱۲-۲۰۱۳). با توجه به این موضوع می‌توان گفت که مریدان بر اساس دیدگاه ویتگنشتاین باید فراگیران خود را جهت زندگی در جامعه به‌عنوان یک شهروند آماده سازند. به عبارت دیگر این برهه از تربیت شهروندی بر مبنای نظریه زبان تصویری فراگیران را باید به انجام تمرین‌های معنادار مثل تصویرسازی از عقیده شخصی برای دیگران طوری که سایر افراد به درک درستی از عقاید فرد موردنظر دست یابند. همچنین دفاع از موضع خود راجع به موضوعات موردبحث به طوری که فرد با استفاده از ساختار منطقی موجود بین زبان و واقعیت موردبحث بتواند نظریات شخصی خویش را در قالب بیانات روشن و واضح به سایر افراد انتقال داده و در صورت لزوم از آن دفاع نماید.

در حقیقت به دلیل اینکه هر انسان برای اینکه بتواند به دانش مفهومی، معنی‌دار و آگاهی‌های درست تاریخی و فرهنگی در زندگی خود دست یابد ناگزیر است که با جهان پیرامون خود ارتباط برقرار کرده و در برقراری این ارتباط زبان اولین و مهم‌ترین وسیله ارتباطی بوده؛ بنابراین جهت ایجاد تربیت یک فرد برای زندگی فردی وی را باید در جهت به‌کارگیری زبان یاری داد که ویتگنشتاین در دوره اول تفکرات خویش در باب زبان سعی در همین کار داشته است

۲. چگونه می‌توان بعد عاطفی تربیت شهروندی را از زاویه دید فلسفی

ویتگنشتاین مورد بررسی قرارداد؟

بررسی تفکرات ویتگنشتاین در دوره دوم به‌خصوص قاعده‌مندی زبان مثل بازی و تعیین ماهیت و مفهوم کلمات را اساس نوع ارتباط افراد به‌عنوان یک فلسفه تربیتی می‌تواند فرد را در راه اجتماعی شدن و پذیرش توسط سایر افراد که در انجام و اجرای تربیت شهروندی بسیار مهم و ارزنده است یاری رساند. شناخت ارزش‌ها و تعریف آنها با استفاده از روابط و همانندی بین افراد و همین‌طور کسب مهارت‌های زندگی جز مهم‌ترین گام‌ها برای تربیت یک شهروند مؤثر خواهد بود.

در حوزه عاطفی یا ارزشی تربیت شهروندی در حقیقت در پی ایجاد گرایش‌ها و ارزش‌های عاطفی مناسب با سیستم فرهنگی جامعه است. بر طبق نظر ویتگنشتاین در نظریه بازی‌های زبانی، زبان دارای ابعاد گوناگون بوده که به کمک آن ارتباطات اجتماعی شکل می‌گیرد؛ بنابراین برای برقراری ارتباطات انسانی صحیح و زندگی اجتماعی سالم ضروری می‌نماید که ارزش‌های موجود در هر جامعه با توجه به فرهنگ حاکم بر آن تعریف گردد، آن گاه به افراد جامعه آموخته شود. در تعریف ارزش‌های جامعه زبان نقش اساسی را ایفا می‌کند. به‌عبارت‌دیگر برترین وسیله درک و ایجاد رابطه در بین انسان‌ها زبان است.

از نظر ویتگنشتاین به همان شکلی که معنا به کاربرد واژه وابسته است، هر باور خاصی باید همچون بخشی از یک نظام عقاید دانسته شود، و نظام‌های عقاید جهان‌بینی را می‌سازند و در نهایت وابسته‌اند به صورت‌های زندگی (ویتگنشتاین: ۱۳۹۳: ۱۴)

بر طبق این عقیده باید ارزش‌های موجود در جامعه با عباراتی تعریف شوند که برای افراد جامعه دارای معنا و مفهومی خاص خود در همان جامعه باشد. برای از بین بردن سو تعبیر و دست‌یافتن به معنا و مفهوم مشترک و در یک‌کلام ایجاد شهروندانی قانونمند مستلزم رفع این سو تعبیرات است.

ویتگنشتاین خاطر نشان می‌کند که گاهی سو فهم رامی‌توان به‌وسیله جایگزین کردن یک صورت به‌جای صورت دیگر برطرف کرد (ک.ت.فن: ۱۳۸۱: ۸۵) یعنی یک بیان را می‌توان بیشتر و بیشتر تحلیل کرد تا به یک تحلیل نهایی و مشترک دست‌یافت.

مواردی نظیر احترام گذاشتن به دیگران، سعه‌صدر نسبت به نظرات مخالف، تمایل به نقادی که تربیت شهروندی در صدد آموزش صحیح آنها به افراد جامعه است از این طریق حاصل می‌شود.

۳) ویتگنشتاین با توجه به اندیشه‌های فلسفی خویش به بعد رفتاری تربیت شهروندی چگونه می‌نگرد؟

در بعد رفتاری یا مشارکت، تربیت شهروندی مستلزم فراهم آوردن مهارت‌های لازم برای زیستن در جامعه مدنی است این مهارت‌ها از طریق توجه به قواعد زبان حاصل می‌آید. ویتگنشتاین در این باره می‌گوید: برای فهم قواعد لازم است که افراد فلسفه پیروی از قواعد را بفهمند و پس زمینه این رسم یا قاعده که در جامعه همان فرهنگ حاکم است در نظر گرفته شود. (کنی: ۱۳۹۲: ۱۰۳)

در واقع سخن گفتن به یک زبان بخشی از فعالیت‌های جمعی و اشتراکی است، نحوه‌ای از زندگی در جامعه که ویتگنشتاین نحوه زیستن می‌خواند (کنی: ۱۳۹۲: ۲۴۵) در حقیقت از طریق مشارکت در اجرای بازی‌های زبانی است که زبان به زندگی پیوند خورده و به ایجاد تربیت شهروندی از بعد رفتاری از جمله توانایی انجام گفتگوی مؤثر با دیگران، شرکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی و فعالیت‌های اجتماعی همچون رأی‌دادن و شرکت در مراسم‌های مختلف و... یاری رساند.

مولفه‌های تربیت شهروندی بر اساس دیدگاه ویتگنشتاین

باتوجه به این که ویتگنشتاین در دوره دوم زندگی خود با ارائه نظریه بازی‌های زبانی به تکمیل باورهای خود در دوران آغازین زندگی خویش پرداخت و کتاب پژوهش‌های فلسفی وی که به بررسی دیدگاه باری‌های زبانی او پرداخته است در حقیقت گزینش و ترتیب مجددی از اظهارات ویتگنشتاین در رساله فلسفی اوست که در آن نظریه بازی‌های زبانی را مطرح می‌سازد؛ بنابراین هرچند که در بحث تربیت شهروندی نظریه بازی‌های زبانی دارای جایگاه مهمی است و محور بحث‌های اساسی قرار می‌گیرد؛ اما به دلیل ارتباط عمیق و مستقیم نظریات ویتگنشتاین در دو دوره از زندگی خویش باید تربیت شهروندی را از باب نظریه بازی‌های زبانی بررسی نماییم. از طرف دیگر ملاحظه شد که در بخش ابعاد تربیت شهروندی بعد شناختی از طریق نظریه بازی‌های زبانی بررسی گردید و دو بعد تکمیل‌کننده آن یعنی بعد ارزشی و بعد رفتاری به‌عنوان دو بعد اساسی بر اساس نظریه بازی‌های زبانی تشریح و تبیین گردید. پس در بررسی مولفه‌های تربیت شهروندی نیز ابتدا به بررسی این مؤلفه‌ها با توجه به نظریه زبان تصویری پرداخته خواهد شد.

مولفه‌های تربیت شهروندی بر اساس نظریه زبان تصویری

همان گونه که ملاحظه شد نظریه زبان تصویری ویتگنشتاین بر دو مبنای اندیشه و منطق استوار است. در واقع تربیت شهروندی باتوجه به زبان تصویری می‌تواند فرد را در راه درست اندیشیدن، راه خردمندانه زیستن، و کوشش برای شناختن هستی یاری رساند. شناخت هستی و درست اندیشیدن و خردمندانه زیستن اولین گام برای تربیت یک شهروند مؤثر خواهد بود. چرا که آموزش‌های شهروندی مستلزم فراهم آوردن اطلاعاتی درباره اندیشه درست، پیرامون جهان و ایجاد یک تصویر منطقی از دنیایی است که فرد در آن به دنیا آمده و زندگی می‌کند؛ بنابراین مولفه‌های حاصل از این نظریه به‌عنوان مقدمه و زیر بنای مولفه‌های بنیادین حاصل از نظریه بازی‌های زبانی عبارت‌اند از:

الف) توانایی در برخورد منطقی و سنجیده در مسائل پیش رو: از آنجایی که برطبق نظریه ویتگنشتاین می‌توان به معیارهای اندیشه صحیح در قالب بحث زبان دست‌یافت و مرزهای بیان و اندیشه بر یکدیگر منطبق است و وجود آنها نیز بر هم دیگر متوقف؛ یعنی اندیشه بدون زبان و زبان نیز بدون اندیشه ناممکن است (ویتگنشتاین، ۱۳۶۹: ۶۰-۱). در بحث ایجاد توانایی در برخورد منطقی اگر چنانچه مربی خود توانایی درست اندیشیدن را داشته باشد و به قول ویتگنشتاین به درک ساختار منطقی مشترک بین زبان و عالم و اندیشه و زبان دست‌یافته باشد و با فراگیران خود به تبادل فکری بپردازد می‌تواند قابلیت اندیشه‌ورزی و تفکر منطقی گرایانه را که از اجزای مهم تربیت شهروندی است فراهم آورد و چنانچه فراگیر بتواند این مهارت را کسب نماید در نهایت در برخورد با مسائل پیش رو قادر خواهد بود با اطمینان بیشتری عمل نماید.

زیرا تلاش برای آموزش و تربیت شهروند خردنگر و منطقی در سطوح مختلف حتی در سطح ملی برای جامع امری ضروری است؛ زیرا مربیان باید بکوشند علاوه بر عرضه اطلاعات و دانش ارائه و آموزش قابلیت‌ها و توانایی‌های فکری و شناختی نیز موردنیاز. فراگیر را جهت آموزش روش‌های صحیح تفکر و اندیشه نیز همراهی کند.

ب) ایجاد ارتباط با جهان اطراف: در واقع فراگیران با درک درست از واقعیت جایگاه خویش در جامعه و همچنین درک درست از زبان به‌عنوان مهم‌ترین عامل ارتباطی با سایر افراد جامعه می‌توانند از آن تصویری ارائه دهند که این تصویر عین واقعیت موجود بوده و مهارت‌های شناختی مدنی که شامل توانایی فراگیری برای فهم، توصیف و مقایسه و ارزیابی اصول و حکومت و شهروندی است را کسب نمایند. این عامل نیازمند ارتباط فراگیر با جهان

اطراف خویش است که ویتگنشتاین تا اندازه‌ای در دیدگاه متقدم خورد بدان اشاره می‌کند و معتقد است که با تصویر دانستن زبان، مشکل بغرنج چگونگی ارتباط زبان و جهان حل می‌شود (ویتگنشتاین، ۱۳۸۵: ۵۱).

همان گونه که ملاحظه شد در تبیین حوزه شناختی اهمیت تفکرات ویتگنشتاین در دوره اول زندگی‌اش به اثبات رسید؛ زیرا در حوزه شناختی یا دانشی، آموزش‌های شهروندی مستلزم فراهم‌آوردن اطلاعاتی درباره اندیشه درست، پیرامون جهان و ایجاد یک تصویر منطقی از دنیایی است که فرد در آن به دنیا آمده و زندگی می‌کند. مربیان در این زمینه باید بکوشند تا با استفاده از ارتباط زبان و اندیشه و زبان و منطق از یک طرف و از طرف دیگر نقش زبان به‌عنوان مهم‌ترین عامل در برقراری ارتباط، آموزش در رسیدن فراگیران به بینش صحیح و درک درست از محیطی که در آن زندگی می‌کنند آنها را برای زندگی اجتماعی در کنار سایر افراد یاری رسانند.

مولفه‌های تربیت شهروندی بر اساس بازی‌های زبانی: باتوجه‌به اینکه در این پژوهش نظریه بازی‌های زبانی دارای محوریت بوده و بحث زبان تصویری به‌عنوان مقدمه و اساس اندیشه‌های ویتگنشتاین مورد بررسی قرار گرفت؛ بنابراین بررسی مولفه‌های تربیت شهروندی از زاویه نگاه این نظریه دارای اهمیت ویژه‌ای است که در این قسمت به آن پرداخته می‌شود:

الف) مشارکت فعال و مؤثر

مشارکت شهروندان در امور جامعه یکی از ارکان اساسی جوامع مردم‌سالار و مدنی است چرا که شهروندی در یک جامعه مدنی اول‌ازهمه با مشارکت فعال در مسائل عمومی مشخص می‌شود (برخورداری، جمشیدیان: ۱۳۸۷: ۷۲) طبق نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین زبان دارای ذات اجتماعی بوده (ک.ت.فن ۱۳۸۱: ۱۰۲) و از آنجا که مهم‌ترین وسیله ارتباط برای انسان‌ها زبان است؛ بنابراین جهت مشارکت سازنده و مؤثر افراد در مسائل عمومی لازم است که افراد باتکیه بر قواعد و قوانین حاکم بر زبان به ارتباط با سایر افراد بپردازد. در بحث بازی‌های زبانی ویتگنشتاین درباره عمل پیروی از قواعد سخن می‌گوید نه قاعده خاص بنابراین اگر مربی بخواهد شهروندانی فعال و مشارکت مدار در امور خود تربیت کند باید ابتدا قوانین و قواعد برقراری ارتباط و در یک‌کلام قوانین و قواعد حاکم بر زبان (که مهم‌ترین وسیله ارتباطی است) آن جامعه را به آنها آموزش دهد، زیرا بدون آن مشارکت فعالانه و مؤثری صورت نخواهد گرفت.

در حقیقت برای تقویت حس مشارکت در دانش‌آموزان مریبان باید آنها را در فعالیت‌های اجتماعی موجود در مدرسه و فراتر از آن در جامعه تحریک و ترغیب نمایند تا کم‌کم آنها به قوانین مشارکت و به قول ویتگنشتاین پیروی از یک قاعده، پیمانی را بستن، دستوری را دادن، و غیره که متضمن یک جامعه، شکلی از زندگی است آشنا شوند (ویتگنشتاین: ۱۳۹۳: ۱۹۹) در حقیقت از نظر ویتگنشتاین چون قواعد بازی به وسیله اجتماع تعیین می‌شود و این قواعد موضوع تعامل میان بازیگران است و از طرف دیگر بازی صرفاً عبارت است از کلیت قواعدی که پس لازم است مریبان از کلاس درس به‌عنوان یک جامعه کوچک شروع کرده و از موضوعاتی استفاده نمایند که فراگیران به مشارکت بپردازند و قوانین و قواعد چگونگی زندگی اجتماعی را تجربه نموده تا به کمک آن به تدریج بتوانند در موضوعات اجتماعی زندگی واقعی خود شرکت جویند و مؤثر واقع شوند.

توانایی تفکر انتقادی در سامان‌بخشی و سازندگی

در حقیقت در تمامی جوامع آزاد آرمان مردم‌سالاری در پی آن است که به‌عنوان یک اصل در سازمان اجتماعی انتظام اجتماعی را چنان بسازد که اساساً بر توافق آزادانه به‌دست‌آمده بین اعضایش متکی باشد.

چنین هدفی مستلزم دستیابی به آموزش شیوه‌های عقلانی برای بررسی نهادهای اجتماعی در جامعه است (برخورداری، جمشیدیان ۱۳۷۸: ۷۵) بنابراین مریبان برای تربیت شهروند نقاد که بتواند به طور سازنده روحیه مقایسه‌گرایانه و گزینش‌کننده داشته باشد، باید همواره بکوشد؛ اما از آنجاکه زبان در بحث برقراری ارتباط نخستین جایگاه را به خود اختصاص می‌دهد و از طرفی در فلسفه ویتگنشتاین زبان همانند بازی است و نمی‌توان ذاتی معین و ماهیتی مشخص را در پس زبان‌ها پیدا کرد (ویتگنشتاین ۱۳۸۷: الف ۶۶) و همچنین وجه مقوم تشبیه به بازی، قانونمند بودن بازیست که کارکرد قواعد بازی‌ها همانند قواعد در زبان است (کنی: ۲۰۰۶: ۱۲۹) و اگر چنان چه کسی این قواعد را رعایت نکند گویی بازی را انجام نداده و وارد آن نشده و در آن شرکت نجسته است پس طبق این ایده آموزش تفکر انتقادی عبارت است از آموزش قواعد زبانی که افراد با آن در جامعه ارتباط برقرار نموده و آزادکردن ذهن آنان از تعصب و آشناکردن شهروندان با دانش و توانایی تحقیق مستقل در قالب زبانی مشترک که همگی افراد جامعه تابع آن قالب بوده و از قوانین آن پیروی می‌نمایند.

پس مریدان برای تربیت شهروندی مؤثر که تواند به تصمیم‌گیری‌های اخلاقی حل مسئله بپردازد لازم است که علاوه بر آموزش قواعد زبان مشترک و همین‌طور قوانین ورود فرد به مشارکت‌های اجتماعی این نکته را نیز آموزش دهد که همان گونه که هر بازی‌دارا قوانین خاص خود است که نمی‌توان آن را به سایر بازی‌های دیگر تعلیم داد و به عبارت دیگر قواعد هر بازی خاص همان بایست و ارتباطی با بازی‌های دیگر ندارد البته هرچند می‌توان بین آنها شباهت‌هایی هم برقرار نمود (ویتگنشتاین: ۱۹۷۹: ۷) و با اشاره به این نکته که ویتگنشتاین این آموزه را به زبان نیز سرایت می‌دهد. مریدان بدانند که آموزش تفکر نقادانه نیز همین‌گونه خواهد بود. یعنی آموزش شهروندی که در او ارزش‌ها پرورش یافته باشد. همچنین چگونگی مشارکت در زندگی و فعالیت اجتماعی را بدانند مستلزم این است که فرد شیوه نقد و انتقاد منصفانه را با توجه به قوانین و قواعد ساری و مورد حمایت در جامعه بیاموزد و در وجودش نهادینه گردد.

پس طبق نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین آموزش تفکر انتقادی برای هر شهروند لازم بوده چرا که چکیده تفکر در قالب نظر و به وسیله زبان بیان خواهد شد و اهمیت توانایی افراد در بررسی انتقادی یک موضوع و تصمیم‌گیری و حل مسائل پیچیده مستلزم آموزش قواعد زبان هنجارهای اجتماعی جامعه و آموزش پایبندی افراد به این قواعد جهت مشارکت فعال و مؤثر در جامعه است.

توانایی درک و تفاهم و تحمل تفاوت‌های فرهنگی

جامعه پیشرفته جامعه ایست که در آن افراد برای باورها و فرهنگ و ارزش‌های اقوام مختلف احترام قایل بوده و بتوانند به درک درستی از آنها دست یابند. طبق نظر ویتگنشتاین صورت‌های زندگی منشا و خاستگاه بازی‌های زبانی‌اند. (ویتگنشتاین: ۱۹۹۳: ۲۳) و این بدان معناست که اگر شهروندان بخواهند در کنار یکدیگر در جامعه‌ای که مملو از افرادی با فرهنگ‌ها و اعتقادات مختلف است به طور سالم و بدون تضاد در کشمکش زندگی کنند لازم است که ارزش‌ها و فرهنگ‌های مختلف را به نوعی درک کرده و در صورت لزوم بستری فراهم گردد که در آن زمینه یک‌زبان که متعلق به آن فرهنگ یا ارزش یا قوم خاص است به مثابه یک بازی وجود داشته باشد در حقیقت درک فرهنگ و ارزش از ملزومات جامعه‌ای سازگار خواهد بود. چرا که بهترین برهان این موضوع این ادای ویتگنشتاین است که بستر و زمینه غیرزبانی (فرهنگی، رفتاری، اعتقادی) برای فهم فعالیت‌های زبانی اساسی است. (گلاک: ۱۳۸۸: ۱۷۵) زیرا که فعالیت‌های زبانی اصل و اساس برقراری ارتباط اعضای جامعه

با یکدیگر است پس درک نوع زندگی و آداب و رسوم حاکم بر اقوام مختلف که در یک جامعه با منافع مشترک زندگی می‌کنند برای همه شهروندان لازم و ضرورت خواهد بود.

توسعه و انتقال عقاید

در حقیقت ویتگنشتاین با نظریه بازی‌های زبان بیشتر و بیشتر به از سنخ عمل و کنش بودن زبان که البته آن هم امری اجتماعی است تأکید می‌کند. (گلاک: ۱۳۸۸: ۱۸۰)

بنابراین، نظریه، جامعه‌ای انسانی باید مملو از شهروندانی باشد که برای بین عقاید و نوع آن از بیان و تعبیر خود استفاده می‌نمایند تا برقراری ارتباط در جامعه و زندگی در کنار یکدیگر را بدون تحمل زحمت تجربه نایند. در واقع توسعه و انتقال عقاید در جامعه همان توسعه و انتقال صورت‌های زندگی است که باید به فراگیران به‌عنوان شهروند آموزش داده شود چرا که اگر شکل زندگی و منبع رفتاری برای افراد ناشناخته باشد افراد نمی‌توانند در کنار یکدیگر دوام بیاورند (همان)

با دقت در اندیشه‌های ویتگنشتاین متوجه خواهیم شد که نحوه سخن‌گفتن افراد با هم و با عملی که آنها در مقابل و یا در کنار یکدیگر انجام می‌دهند. درهم‌تنیده است در واقع طبق نظریه بازی‌های زبانی اموری که مقوم زبان‌اند اهمیت خود را از آن چه در اطراف آنها قرار دارد زندگی‌های کسانی که آن زبان را به کار می‌برند اخذ می‌کنند (مک‌گین: ۱۳۸۵: ۷۸)

پس با توسعه و انتقال عقاید و ارزش‌های موجود در جامعه که افراد با آن زندگی می‌کنند و در یک کلام هویت انسانی خود را از آنها کسب می‌نمایند از ملزومات تربیتی تربیت شهروندی به شمار می‌آید

آموزش انعطاف‌پذیری در توافق

تربیت شهروندی در واقع بخشی از رشد روحی و روانی، افزایش احترام و تساوی فرصت برای همه افراد اعم از زن و مرد مبارزه با رفتارهای نابهنجار و حل تضادهای موجود در جامعه را باید رفع و رجوع نماید.

مطابق با نظریه بازی‌های زبانی، بازی زبانی ما وقتی تحقق می‌یابد که حدی از توافق غالب باشد (ر.ک: ویتگنشتاین: ۱۳۸۴: ۴۳) و لازمه توافق انعطاف‌پذیری است؛ زیرا چنانچه افراد بخواهند به‌عنوان اعضای جامعه در کنار هم زندگی کنند ناگزیر بد در انتظارات، شیوه‌های برخورد با افکار مقابل، تبعیت از ارزش‌ها و قوانین موجود آموزش‌دیده و انعطاف لازم برای پذیرش و یادگیری در آنها ایجاد شود (طالب‌زاده و فتحی: ۱۳۸۲ به نقل از کمبلیس ۱۹۹۷) به قول ویتگنشتاین در حقیقت توافق انسانی تصمیم می‌گیرد که چه

چیزی صحیح است و چه چیزی نادرست. در حقیقت توافق در عقاید و پذیرش و انعطاف‌پذیری در پذیرش آنها توافق و انعطاف‌پذیری در صورت زندگی است. (ویتگنشتاین: ۱۹۶۳: ۲۴۱) نهایتاً باید اذعان داشت که جهت آموزش مشارکت فعال و مؤثر شهروند همچنین ایجاد بینش و تفکر نقادانه و توسعه و انتقال عقاید و درک و پذیرش فرهنگ و عقاید مختلف وجود توافق و انعطاف در افراد لازم و ضروری می‌نماید.

در واقع باید گفت که اگر بخواهیم در هر صورت زندگی در جامعه حضور داشته باشیم می‌بایست با دیگر اعضای آن توافق داشته باشیم. وگرنه نمی‌توانیم در آن شکل زندگی حضور داشته باشیم. این توافق قراردادی صرف نیست بلکه به‌نوعی این انعطاف و پذیرش نحوه‌ای اجبار در آن وجود دارد. به عبارت دیگر ما خود را با بازی‌های زبانی و شکل و صورتی از زندگی می‌یابیم که پیش از ما شکل گرفته و قوام‌یافته و توافق در آن به وجود آمده و ما در صورتی می‌توانیم در آن حضور داشته باشیم که لاجرم آن توافق را بپذیریم.

از نظر ویتگنشتاین قاعده و پیروی از آن قرابت بسیاری با توافق دارد و واژه توافق و قاعده به یکدیگر ربط دارند پس‌رعموی هم‌اند. (ویتگنشتاین: ۱۳۸۷: الف ۲۲۴) قواعد شالوده‌های صورت زندگی و بازی‌های زبانی هستند و با پیروی از آنهاست که می‌توان واژه یک‌زبان شد و آن را فهمید و به دیگران فهماند. پس می‌توان نتیجه گرفت که در تربیت یک شهروند مفید لازم است که او را چنان تربیت نمود که وی بتواند محیط اطراف خود را به راحتی بپذیرد و توافق لازم را با اعضای جامعه در هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن کسب نماید. چنین است که وی می‌تواند به راحتی و بدون تضاد و کشمکش در جامعه زندگی نماید و نقش‌های مؤثر و متفاوتی را نیز ایفا نماید.

توانایی در نظم‌پذیری جمعی

بی‌گمان تربیت شهروندانی خوب یکی از دل‌مشغولی‌های اکثر نظام‌های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیا است. چنین تربیتی در آغاز راه مستلزم آگاهی از قوانین و وجود نظم و انضباط اجتماعی در جامعه است.

در حقیقت آموزش شهروندی به طور عمده به ایجاد دانش‌ها و قوانین و نگرش و ارزش‌هایی اطلاق می‌شود که فرد را به‌عنوان یک شهروند فعال و آگاه قادر می‌سازد با رعایت قوانین و وجود نظم اجتماعی به مشارکت در جامعه بپردازد (فرمهینی فراهانی: ۱۳۸۹: ۱۴ و ۱۵) از طرفی همان گونه که گفته شد زبان مهم‌ترین و مناسب‌ترین وسیله

ایجاد ارتباط بین افراد است. حال چگونه می‌توان از زبان به‌عنوان این وسیله ارتباطی قوی و مهم جهت برقراری نظم و انضباط اجتماعی و آموزش قانون‌مداری استفاده نمود؟ در نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین یکی از وجوه زبان و بازی همانا وجود قواعد و لزوم پیروی از آن‌هاست. به‌طوری‌که اگر این شرط برآورده نشود زبان و بازی شکل نمی‌گیرد. در واقع نکته مهم این است که کارکرد قواعد در بازی‌ها همانند کارکرد قواعد در زبان است. (کنی: ۲۰۰۶: ۱۲۹)

البته قواعد زبان منظور قواعد نحوی نیست؛ بلکه منظور قواعد قوام بخشی زبان است. قواعد استانداردهای صحبت‌اند که بدون آنها نظم به وجود نمی‌آید، در حقیقت این بدان معناست که کمک‌گرفتن از قواعد است که فرد می‌تواند مرزی میان سخن درست و نادرست ترسیم کند.

وقتی در جامعه امری به‌عنوان ارزش شمرده شد، مربیان تلاش می‌کنند که با آموزش آن افراد را به پیروی و اداری کنند در واقع وقتی افراد بتوانند با استفاده از قوانین موجود زبان آن ارزش را تعریف کرده، آن‌گاه فرد خودبه‌خود وادار به تبعیت از آن می‌شود و همین تبعیت نظمی ایجاد می‌کند که افراد بتوانند در سایه آن به مشارکت فعال بپردازند.

با استفاده از نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین می‌توان به این نتیجه رسید که قاعده (هر قاعده‌ای که در جامع وجود دارد) خود امری بی‌جان است و کسی را نمی‌توان مجبور یا حتی هدایت کند مگر این که فرد خود بداند چگونه آن‌ها را بکار ببرد و این در مورد تصویر ذهنی که به منزله قاعده‌ای برای کاربرد عبارت زبانی نگریسته شده‌اند صادق است (دانلان: ۱۳۸۷: ۵۹ و ۶۰) پس به‌عبارت‌دیگر اگر مربیان بتوانند با استفاده از قواعد تعریف شده زبان وجود ذهنی هر ارزشی در جامعه آن را به‌صورت یک تصویر ذهنی درآورده و فرد را به پیروی از آن قاعده و قانون تشویق نمایند آن‌گاه شهروندانی خواهیم داشت که علاوه بر آگاهی از بینش و مهارت لازم برای کسب ارزش می‌توانند به‌صورت قانون‌مدارانه و حفظ نظم کافی در جامعه به فعالیت بپردازد.

۳. نتیجه‌گیری:

باتوجه‌به اینکه انسان و موضوعات مرتبط با آواز اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و با عنایت به اینکه در جوامع جدید انسان به‌عنوان موجود اجتماعی دارای حقوق مطرح می‌گردد، تربیت شهروندی به‌عنوان مهم‌ترین هدف و محرک حرکت‌ها و نهضت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع تربیت شهروندی عامل مهمی در نهادینه‌شدن حقوق اجتماعی است

که منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌شود. همچنین این نوع تربیت در یک جامعه باعظمی شود که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی به‌صورت ملی برخوردار باشند و از احترام ملی و حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بهره‌مند گردند. حال با توجه به اهمیت مقوله تربیت شهروندی و با مطالعه اندیشه‌های صاحب‌نظران بزرگ، دیدگاه‌های فلاسفه تحلیلی را می‌توان در این زمینه مؤثر و مفید دانست. زیرا فلاسفه تحلیلی نقش خود را تسهیل برقراری ارتباط در فراسوی مرزهای تخصصی می‌بینند. در واقع این فلاسفه با ابهام‌زدایی از اصطلاحاتی که نوشته‌های تربیتی و سایر علوم اجتماعی را مختل می‌سازد می‌توانند در موقعیت‌های آموزشی و یادگیری نقش به‌سزایی ایفا کنند. در میان این فلاسفه لودویک ویتگنشتاین به دلیل تأکید بر توضیح معانی، اصطلاحات و واژگان تأکید، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است وی با ارائه نظریه زبان تصویری و به‌خصوص بازی‌های زبانی به کارکردهای اجتماعی زبان در موقعیت‌های متعدد زندگی توجه خاصی نمود و از آن جا که زبان مهم‌ترین وسیله ارتباطی در جوامع بشری است، نظریات او در باب تربیت اجتماعی می‌تواند راهگشا باشد.

همچنین در تعریف شهروند باید گفت به‌طور کلی شهروند، انسان آزاد و مختاری است که در میان جمع زندگی نمی‌کند؛ بلکه با آن جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد که انواع روابط و پیوندها آنها را به یکدیگر متصل می‌کند و در همین راستا تربیت شهروندی عبارت است از تربیت افراد به‌نحوی که بتوانند در شکل‌گیری و یا برقراری توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت‌ها در جامعه نقش بازی می‌کند.

تربیت شهروندی در سه بعد اساسی شناختی، رفتاری و عاطفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بعد شناختی به فراهم‌آوردن اطلاعات و ایجاد قابلیت و توانایی‌های فکری و ذهنی، بعد عاطفی به ایجاد گرایش و قابلیت‌های مناسب اجتماعی و بعد رفتاری به فراهم‌آوردن مهارت‌های زیستی می‌پردازد.

در بررسی نگاه ویتگنشتاین به این ابعاد و پاسخ به سه سؤال اساسی در این زمینه، لازم و ضروری نمود تا به دیدگاه‌های اساسی وی که در برگیرنده نگاه او به مسئله زبان در دو دوره زندگی اوست پرداخته شود. ویتگنشتاین در دوره اول زندگی خویش به دنبال صورت منطقی زبان و حدود آن و ارتباطش با جهان خرج است که حاصل آن ارائه نظریه زبان تصویری است. در این نظریه ویتگنشتاین زبان را تصویر واقعیت دانسته و تصویر را مل

واقعیت برمی‌شمرد. او زبان را پوشاننده اندیشه و اندیشه را آئینه زبان می‌داند و از طرفی او معتقد است که یک تصویر و وضعیتی که آن تصویر را نشان می‌دهد دارای صورت مشترکی هستند کوی آن را شکل منطقی می‌نامد. به‌طور کلی منطق از نظر ویتگنشتاین در این دوره داریست و صورت جهان و زبان است و به همین دلیل زبان تصویر جهان است. اما در دوره دوم او به تکامل اندیشه‌های دوره نخستین خود پرداخته و محصول این تکامل را در نظریه بازی‌های زبانی ارائه داد. به نظر او زبان کاربردهای متعددی دارد و واژه‌ها و عبارات، فقط در بستر اجتماعی یا در جریان زندگی معنا دارد و این همان موضوعی است که در تربیت شهروندی اهمیت دارد. یک نکته مهم دیگر که ویتگنشتاین زبان را به بازی تشبیه می‌کند و بسیار نیز حایز اهمیت است قانونمند بودن بازی است. همچنین صرف توضیح برای یک بازی کافی نیست بلکه می‌بایست برای یادگیری یک بازی در آن مهارت کسب کرد و این مهارت نیز در اثر عمل و تمرین کردن در آن بازی کسب می‌شود و مستلزم نوعی تربیت است. در ادامه بحث برای پاسخ به سوالات چگونگی نگاه ویتگنشتاین به سه بعد اساسی تربیت شهروندی، باید گفت باتوجه‌به دیدگاه‌های وی در دو دوره زندگی خویش و نظریات زبان تصویری و بازی‌های زبانی در بعد شناختی ویتگنشتاین عقیده است که جهت فراهم‌آوردن اطلاعاتی درباره اندیشه درست پیرامون جهان و ایجاد یک تصور منطقی از دنیایی که فرد در آن به دنیا آمده و در آن زندگی می‌کند می‌توان از نظریه زبان تصویری استفاده کرد. در حقیقت درک درست از واقعیت و تصویرسازی از آن می‌تواند فرد را در برقراری ارتباط با سایر افراد جامعه و در نتیجه مشارکت فعال و آگاهانه اجتماعی یاری رساند. در زمینه بعد عاطفی و رفتاری به دلیل اینکه دو بعد جنبه اجتماعی داشته ویتگنشتاین از زاویه نظریه بازی‌های زبانی به آنها می‌نگرد. در بعد عاطفی شناخت ارزش‌ها و پایندی به آنها و همین‌طور کسب مهارت‌های زندگی گام مؤثری در تربیت شهروندی دارند. طبق این نظریه زبان دارای ابعاد گوناگون است که به کمک آن ارتباطات اجتماعی شکل می‌گیرد و برای برقراری این ارتباطات لازم است که ارزش‌های موجود بر اساس فرهنگ جامعه تعریف می‌شود و قانون و قاعده آن حفظ و پیروی شود. تمامی این ارتباطات توسط زبان انجام می‌شود؛ بنابراین حفظ و پیروی از قوانین زبان به این ارتباطات کمک می‌کند. در توضیح ویتگنشتاین به بعد رفتاری باید گفت که وی معتقد است که تربیت شهروندی مستلزم فراهم‌آوردن مهارت‌های لازم برای زیستن در جامعه مدنی است که از طریق توجه به قواعد زبان حاصل می‌آید. در نهایت نیز باتوجه‌به نگاه ویتگنشتاین به ابعاد

تربیت شهروندی مؤلفه‌هایی استنباط و توصیه گردید از جمله: توانایی در برخورد منطقی و سنجیده در مسائل پیش رو، ایجاد ارتباط با جهان اطراف که بر اساس نظریه زبان تصویری تجویز می‌گردد و مؤلفه‌ای چون: مشارکت فعال و مؤثر، توانایی تفکر انتقادی در سامان‌بخشی و سازندگی، توانایی درک و تفاهم و تحمل تفاوت‌های فرهنگی، توسعه و انتقال عقاید، آموزش انعطاف‌پذیری در توافق و توانایی در نظم‌پذیری جمعی حاصل نگاه ویتگنشتاین در نظریه بازی‌های زبانی است. نهایتاً می‌توان بیان داشت که از نظر ویتگنشتاین و بر اساس نظریات او یعنی زبان تصویری و به‌خصوص بازی‌های زبانی نظام آموزشی باید به تربیت شهروندانی همت گمارد که ضمن احساس دلبستگی به میهن و سرزمین خود و رعایت قانون در همه زمینه‌های زندگی، آگاهانه به‌نقد و ارزیابی عملکرد یکدیگر و دولت پرداخته و به طور خودجوش به مشارکت فعالانه و مؤثر بپردازد و در ایجاد و حفظ نظم اجتماعی بکوشد همین‌طور توافق لازم را در جهت‌پذیرش ارزش‌ها، کسب مهارت‌های اجتماعی از طریق انعطاف‌پذیری کسب نماید.

منابع

- برخورداری، جمشیدیان (۱۳۸۷)، **تربیت شهروندی**، چاپ اول، نشر جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.
- ضیاء فر، رضا؛ سجادی، سید مهدی؛ ایمانی، محسن (۱۳۸۴)، **فلسفه تحلیلی ویتگنشتاین و بازتاب آن در تبیین مفاهیم تربیتی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ک. ت. فن (۱۳۸۱)، **مفهوم فلسفه نزد ویتگنشتاین**، ترجمه کامران قره‌گزلی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- فسنکول، ویلهلم (۱۳۸۵)، **گفتنی‌ها - ناگفتنی‌ها سه مقاله درباره فلسفه ویتگنشتاین**، ترجمه مالک حسینی، تهران: انتشارات هرمس
- ویتگنشتاین، لودویک (۱۳۸۶)، **رساله منطقی فلسفی**، ترجمه میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ویتگنشتاین، لودویک (۱۳۷۱)، **رساله منطقی فلسفی**، ترجمه میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- ویتگنشتاین، لودویک (۱۳۸۵)، **یادداشت‌ها**، ترجمه موسی دیباج و مریم حیات شاهی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هاوارد، ماونس (۱۳۸۸)، **درآمدی بر رساله ویتگنشتاین**، ترجمه سهراب علوی نیا، تهران: انتشارات طرح نو.
- ویتگنشتاین، لودویک (۱۳۶۹)، **رساله منطقی فلسفی**، ترجمه دکتر محمود عبادیان، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ویتگنشتاین، لودویک (۱۳۹۳)، **پژوهش‌های فلسفی**، ترجمه فریدون فاطمی، چاپ هفتم، تهران: نشر مرکز.
- آنتونی کنی (۱۳۹۲)، **معماری زبان و ذهن در فلسفه ویتگنشتاین**، ترجمه محمدرضا اسمخانی، تهران: انتشارات ققنوس.
- باقری، خسرو (۱۳۷۹)، **امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران**، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال پنجم، شمار اول.
- علم‌الهدی، جمیله (۱۳۷۹)، **چشم‌اندازی به تربیت مدنی از دیدگاه اسلام**، کتاب اول تربیت اسلامی، تهران.
- مگ گین ماری (۱۳۸۴)، **ویتگنشتاین و پژوهش‌های فلسفی**، ترجمه ایرج قانونی، تهران: نشر نی.
- فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹)، **تربیت شهروندی**، تهران: انتشارات آبیژ.
- کدیور، پروین و ابراهیمی، قوام (۱۳۸۲)، **جهانی‌شدن و تعلیم و تربیت**، پژوهش‌شکده تعلیم و تربیت.
- ویتگنشتاین، لودویک (۱۳۸۷)، **درباره رنگ‌ها**، ترجمه لیلی گلستان، تهران: نشر قرمز.
- همتی، مجتبی (۱۳۸۷)، **آموزش شهروندی**، نشریه حقوق اساسی، سال هفتم، شماره ۹ ر.ک. وایت (۱۳۸۴)، **مفهوم فلسفه نزد ویتگنشتاین**، ترجمه کامران قره‌گوزلی، تهران: نشر مرکز.
- دانلان. ک. س. (۱۳۸۷)، **فلسفه تحلیلی و فلسفه زبان**، ترجمه شاپور بنی‌اعتماد و مراد فرهادپور، مجله ارغنون، سال دوم شماره ۷.۸
- گلاک، هانس یوهان (۱۳۸۸)، **فرهنگ اصطلاحات ویتگنشتاین**، همایون کاکا سلطانی، تهران: انتشارات گام نو.

مگی براین (۱۳۸۵)، فلاسفه بزرگ، ترجمه عزت‌الله فولادوند، انتشارات خوارزمی.

- Michael A. Peters (2014). Incorporating ACCESS Education Arena
Expert panel, Educational philosophy and Theory.
- Wittgenstein, Ludwig (2002). tractatus logico philosophicus, translated
by D-F PEARS and Guinness ,London and new York: routledge.
- Ch ambliss,jj.(1996).philosophy of education an encyclopeda.
Newyork.gafland publixhing. London
- Kubow,particia.k,and kinney , mark . b . (2000). Fostering democracy in
middle schoolclassrooms. The social studies, Washington
- Wittgenstein,Ludwig ,(1974)philosophical grammar ,translated by
Anthony Kenny oxford : basil, black well
- Wittgenstein , Ludwig (1963) philosophical . in vestigation s , translated
by G.E.M anscombe , oxford : basil blak well
- Wittgenstein ,Ludwig (1979) notebook , university of Chicago
- Kenny . Anthony (2006) Wittgenstein , oxford , black well

